

«تاریخ و صّاف»؛ نسخه‌ای ارزشمند از کتاب‌خانه بایسنغر میرزا

دکتر شیوا میهن^۱

چکیده

دو نسخه «تاریخ جهانگشای جوینی» و «تاریخ و صّاف» به ترتیب در سال‌های ۸۳۴ و ۸۳۵ ق. در کارگاه کتاب‌پردازی غیاث‌الدین بایسنغر میرزا، شاهزاده تیموری در هرات کتابت شد. امروز نسخه بایسنغری تاریخ جهانگشا در کتاب‌خانه عمومی سن‌پترزبورگ روسیه و تاریخ و صّاف در مجموعه خصوصی کی‌پر در موزه هنر دالاس آمریکا نگهداری می‌شود. این مقاله پس از ارائه پیشینه‌ای از تاریخ و صّاف و جایگاه آن، به معرفی این دو نسخه بایسنغری می‌پردازد که به دلیل نبودن دسترسی آسان، تا کنون به درستی شناخته نشده‌اند. این نسخه تاریخ و صّاف احتمالاً یکی از کهن‌ترین نسخ در بردارنده مجلدهای اول تا چهارم و شاید کهن‌ترین نسخه حاوی مجلد سوم است و اهمیت بسزایی در تصحیح این اثر مهم تاریخی و ادبی دارد. در بخش پایانی، ویژگی‌های هنری نسخه بایسنغری تاریخ و صّاف، از جمله چهار نگاره برافزوده آن بررسی می‌شود و در این ارتباط دو نسخه دیگر مصیبت‌نامه عطار و دیوان قاسم انوار با تصاویر برافزوده مشابه معرفی می‌شود.

کلیدواژه‌ها: دست‌نویس‌های تیموری، تاریخ جهانگشای جوینی، تاریخ و صّاف، بایسنغر، مجموعه کی‌پر.



۱. دکترای ایران‌شناسی دانشگاه کمبریج، کیوریتور هنر اسلامی موزه هنر هاروارد shiva.mihan@gmail.com



درآمد

پس از درگذشت تیمور در سال ۸۰۷ ق. و به قدرت رسیدن شاه‌رخ (حک. ۸۰۷-۸۵۰ ق.)، پایتخت ایران از سمرقند به هرات منتقل شد. بایسنغر (۷۹۹-۸۳۷ ق.)، پسر شاه‌رخ که در جوار پدرش در هرات مستقر بود، کتاب‌خانه و کارگاهی جهت امور هنری در اقامتگاهش در باغ سفید بنیاد نهاد. در خلال سال‌های ۸۲۳ ق. تا هنگام وفاتش در سال ۸۳۷ ق.، در کارگاه هنری وی که تحت نظر جعفر تبریزی (ملقب به بایسنگری) اداره می‌شد، نسخه‌های بسیار نفیس و ارزشمندی آفریده شد.

کارگاه و کتاب‌خانه سلطنتی بایسنغرسلطان در هرات هم‌گام با کارگاه و کتاب‌خانه برادرش ابراهیم‌سلطان در شیراز به تهیه نسخ خطی می‌پرداخت و همواره رقابتی بین این دو مرکز در جریان بود. نسخه‌های این دو مرکز مهم کتاب‌پردازی در طی یک‌صد سال اخیر موضوع مطالعات بسیاری بوده‌اند. از جامع‌ترین مطالعاتی که در باره کتاب‌خانه بایسنغر انجام شده می‌توان به رساله دکتری تامس لنتز (۱۹۸۵) با عنوان «نگارگری هرات تحت حمایت بایسنغر پسر شاه‌رخ» اشاره کرد.^۱ همچنین دیوید راکسبرا در رساله دکتری‌اش (۱۹۹۶) و چند مقاله و کتاب پس از آن، در باب مرقعات تیموری و چندین نسخه بایسنگری پژوهش کرده است.^۲ در مطالعاتی که تا سال ۲۰۱۴ انجام شده، در مجموع حدود ۲۲ نسخه در ارتباط با کتاب‌خانه و کارگاه بایسنغر معرفی شده است. در رساله دکتری نگارنده، این تعداد به بیش از سی نسخه رسید که تمامی آن‌ها از منظر تاریخ هنر و نسخه‌شناسی مورد مطالعه قرار گرفته و بررسی شده‌اند.^۳

از بیش از سی نسخه بایسنگری شناخته شده، حدود یک سوم در موضوع تاریخ هستند که اهمیت مطالعات تاریخی را در نزد این شاهزاده تیموری روشن می‌سازد. از جمله کتاب‌های تاریخی که برای بایسنغر تهیه شده می‌توان از طبقات ناصری، ظفرنامه شامی و ذیل ظفرنامه از حافظ ابرو، زبدة التواریخ، تاج المآثر فی التاریخ، ترجمه تاریخ طبری، تاریخ سنی ملوک الارض

1. Lentz, T.W. "Painting at Herat under Baysunghur ibn Shah Rukh" (Ph.D. dissertation, Harvard University, 1985).

2. Roxburgh, D.J. "'Our Works Point to Us': Album making, collecting, and art (1427–1565) under the Timurids and Safavids" (Ph.D. dissertation, University of Pennsylvania, 1996). Roxburgh, D.J. "Baysunghur's library: questions related to its chronology and production", *Journal of Social Affairs*, 18:72 (2001): 11–41. See also Roxburgh, D.J. *The Persian Album, 1400–1600: from dispersal to collection* (New Haven, 2005).

۳. میهن، شیوا، «کتاب‌پردازی در دوران تیموری: اهمیت متن و زیبایی‌شناسی در کتاب‌خانه سلطنتی بایسنغر میرزا از ۸۲۳ تا ۸۳۸ ق.»، دانشگاه کمبریج، ۱۳۹۷.

Mihan, S. "Timurid Manuscript Production: The Scholarship and Aesthetics of Prince Bāysunghur's Royal Atelier (1420–1435)" (Ph.D. dissertation, University of Cambridge, 2018b).





و الانبیاء، تاریخ جهانگشای جوینی و تاریخ و صّاف نام برد. در این مقاله به بررسی یک نسخه کم‌تر دیده و شناخته شده برای «خزانه بایسنغر بهادر خان»، یعنی «تاریخ و صّاف» می‌پردازم.

تاریخ و صّاف

«تجزیة الامصار و تزجیة الاعصار» یا «تاریخ و صّاف» نوشته شرف‌الدین عبدالله بن عزالدین فضل‌الله شیرازی (۶۶۳-۷۳۰ ق.) است.^۱ این تاریخ مشتمل بر پنج مجلد در باره تاریخ حکومت مغول در ایران و حکمرانان معاصرشان در مناطق دیگر است و وقایع سال‌های ۶۵۶ تا ۷۲۸ ق. را در بر می‌گیرد.^۲

تاریخ و صّاف به عنوان ذیلی بر تاریخ جهانگشا نوشته شده که عطاء ملک جوینی (م. ۸۱۱ ق.) در آن روی داده‌های تاریخی تا سال ۶۵۶ ق. یعنی واقعه مهم فتح بغداد را به دست مغولان به تحریر کشیده است.^۳ و صّاف، اثرش را چهار دهه پس از آن واقعه آغاز کرد و احتمالاً سه جلد آن را در تاریخ ۱۳ رجب ۷۰۲ ق.، اندکی پیش از مرگ غازان خان (حک. ۶۹۴-۷۰۳ ق.)، به وی تقدیم کرد.^۴ تا سال ۷۱۱ ق. جلد چهارم تاریخ تجزیة الامصار و تزجیة الاعصار هم کامل شد و در ۲۴ محرم سال ۷۱۲ ق. در سلطانی به برادر و جانشین غازان خان یعنی اولجایتو/محمد خدابنده (حک. ۷۰۳-۷۱۶ ق.) عرضه شد. با این که فارسی، زبان مادری سلطان محمد خدابنده نبود و برای فهم متن دشوار این اثر نیاز به تکرار چندباره عبارات و مفهوم‌شان داشت، نویسنده را تکریم کرد و به او لقب «وصّاف الحضرة» را اعطاء نمود.^۵ جلد پنجمی هم بعدتر و در زمان ابوسعید ایلخان (حک. ۷۱۶-۷۳۶ ق.) تکمیل و به این مجموعه اضافه شد که علاوه بر مقاله‌های مستقل، روی داده‌های تاریخی تا ۷۲۸ ق. را هم در بر می‌گیرد. این جلد حاوی خلاصه‌ای از تاریخ

۱. حمدالله مستوفی در تاریخ گزیده او را «جلال‌الدین» و خواندمیر او را «شرف‌الدین» خوانده‌اند.

Storey, C.A. *Persian Literature: a bio-bibliographical survey* (London, 1927-39): 267.

آیتی، عبدالمحمد، *تحریر تاریخ و صّاف* ۱۳۴۶، مقدمه، ص یا.

2. Rieu, C. *Catalogue of the Persian Manuscripts in the British Museum* (London, 1883-1879): 161-64.

هم چنین بنگرید به مقاله «وصّاف» پیتر جکسن در دانش‌نامه اسلام:

Jackson, P., "Waṣṣāf", *Encyclopaedia of Islam*, Second Edition, Edited by: P. Bearman, Th. Bianquis, C.E. Bosworth, E. van Donzel, W.P. Heinrichs, vol. XI: 174. http://dx.doi.org/10.1163/1573-3912_islam_SIM_7890 (last consulted on 20.06.2018).

۳. بخشی از مقاله زیر اثر چارلز ملویل به تاریخ جهانگشای جوینی می‌پردازد.

Melville, C.P. "The early Persian historiography of Anatolia", *History and historiography of post-Mongol Central Asia and the Middle East: studies in honor of John E. Woods*, ed. J. Pfeiffer (Wiesbaden, 2006): 135-66.

۴. بنگرید به استدلال صفری آق‌قلعه در باب این که تنها جلد نخست به غازان‌خان تقدیم شد یا سه مجلد آن. صفری آق‌قلعه، علی، «تجزیة الامصار و تزجیة الاعصار»، گزارش میراث، شماره ۳۷، ۱۳۸۸، ص ۴۷.

5. Rieu, C. *Catalogue of the Persian Manuscripts in the British Museum* (London, 1879): vol. 1: 162.



جهانگشای جوینی و چندین رساله منفرد از جمله «گوی و چوگان» و «نرد و شطرنج» است که می‌توان آن را مستقل از چهار جلد اول به شمار آورد.^۱

متن تاریخ و صّاف متکلف و دشوار و مشحون از آیه‌های قرآنی، حدیث، ضرب‌المثل و اشعار فارسی و عربی است. متن تاریخ جهانگشای جوینی نیز آمیخته با اشعار است، برای مثال ابیات بسیاری از شاه‌نامه در آن نقل شده است.^۲ تاریخ و صّاف در سبک نوشتار پی‌رو جوینی بوده اما از تاریخ جهانگشا نیز پیشی گرفته و این شیوه نگارش را به درجه اعلاء رسانده است. همان‌طور که خود مؤلف نیز در اثرش اشاره کرده، او از این اثر به منزله محملی برای ارائه تبخّر و مهارت ادبی و به نمایش گذاردن شیوایی قلم و بلاغتش بهره برده است.^۳

تاریخ و صّاف علاوه بر تاریخ مغولان در ایران و کشورهای مجاور آن، در باره حکام هم‌عصرشان در چین، جغتایان در آسیای میانه، سلاطین دهلی و دیگر ممالک هند و مصر نیز اطلاعات ارزشمندی ارائه می‌کند.^۴ متأسفانه این اثر به دلیل دشواری متن‌اش آن‌چنان‌که سزاوار است مورد مطالعه قرار نگرفته است، اما علاوه بر اطلاعات ارزشمند تاریخی، به عنوان مجموعه‌ای از اصطلاحات دیوانی آن دوران نیز بسیار شایان توجه است.^۵ از آن‌جا که تاریخ و صّاف تعداد زیادی

۱. مهم‌ترین این رسائل در دالوند، ۱۳۸۲، ص ۶۲ نام برده شده‌اند. هم‌چنین بنگرید به: حاجیان‌نژاد، ۱۳۸۸، صص شانزده تا هجده.

۲. همان‌طور که چارلز ملویل اشاره کرده، جوینی در این کتاب چنگیز را با افراسیاب و مغولان را با تورانیان هم‌ارز ترسیم می‌کند. Melville, C.P. "Jahāngošā-ye Jovayni", *Encyclopaedia Iranica*, vol. XIV (fasc. 4) (London, 2008): 378–82. <http://www.iranicaonline.org/articles/jahangosa-ye-jovayni> (last accessed 05.06.2018).

نسرین عسکری هم بحثی در باره ابیات شاه‌نامه در تاریخ جهانگشای جوینی دارد. Askari, N. *The Medieval Reception of the Shāhnāma as a Mirror for Princes* (Leiden, 2016), pp 68–70 and 344–48.

۳. برای ارزش‌های تاریخ و صّاف نک: دالوند، احمدرضا، «تاریخ و صاف و دو الگوی پیشنهادی برای چاپ آن»، آینه میراث، شماره ۲۳، ۱۳۸۲، صص ۵۵–۷۰.

برای فهرست سایر آثار و صّاف نک:

Pfeiffer, J. "A turgid history of the Mongol empire in Persia': Epistemological reflections concerning a critical edition of Vassāf's *Tajziyat al-amsār va tazjiyat al-a'sār*", *Theoretical approaches to the transmission and edition of Oriental manuscripts*, ed. J. Pfeiffer & M. Kropp (Beirut, 2007): 109, n. 12.

برای ترجمه این مقاله نک: فیفر، جودیت، «تاریخی پرطمطراق از فرمان‌روایی مغول در ایران (تأملات معرفت‌شناسانه در باره یک چاپ انتقادی از تجزیة الامصار و ترجیة الاعصار اثر و صاف)»، ترجمه محمدحسین حیدریان، آینه میراث، شماره ۳۹، ۱۳۸۶، صص ۲۹۵–۳۱۹.

۴. کمپنرز در مقاله زیر به ارزش محتوایی تاریخ و صّاف و اطلاعات تاریخی راهگشایی که تنها در این کتاب یافت می‌شود پرداخته و با کمک این داده‌ها تاریخ جغتایان و شکل‌گیری خانان آسیای میانه را ترسیم کرده است.

Kempiners, R.G. "Vaššāf's *Tajziyat al-amsār wa tazjiyat al-a'sār* as a source for the history of the Chaghadayid Khanate", *Journal of Asian History*, vol. 22, no. 2 (1988): 160–87.

۵. فلوگل به ارزش این اثر به عنوان یک منبع تاریخی اشاره کرده است.

Flügel, G. *Die arabischen, persischen und türkischen Handschriften der Kaiserlich-Königlichen Hofbibliothek zu Wien* (Vienna, 1865): 2: 178.





واژه‌های مغولی و ترکی در خود دارد، می‌تواند به عنوان منبعی برای زبان‌شناسی نیز مورد استفاده قرار گیرد. در فرهنگ اصطلاحات دیوانی دوران مغول به پاره‌ای از این واژگان پرداخته شده است.^۱ بیش از دو‌یست‌وسی نسخه از این اثر در کتاب‌خانه‌های سراسر دنیا وجود دارد. جودیت فایفر به ۱۶۰ اثر از این نسخه در مقاله‌اش اشاره کرده است (که البته شامل نسخه‌ی مورد بحث ما نیست). بسیاری از این نسخ در هند و قلمرو عثمانی استتساخ شده‌اند.^۲ تاریخ و صّاف در این دو کشور از ارزش زیادی برخوردار بوده است و متن آن به عنوان نمونه‌ی عالی نگارش شناخته می‌شده است. فایفر در باره‌ی اهمیت این اثر در دربار عثمانی به روایتی از «تاریخ سلطان سلیم» در مجموعه‌ی هاینریش فون دیتس استناد می‌کند.^۳

تاریخ و صّاف در دربار عثمانی از مقبولیت چشمگیر و ادامه‌داری برخوردار بود. سلطان محمد فاتح دست‌نویسی بسیار زیبا از آن را سفارش داده و در اختیار داشت که بعدها به مجموعه‌ی خصوصی هامر (۱۷۷۴-۱۸۵۶ م.)، خاورشناس معروف اتریشی، راه یافت و اکنون در کتاب‌خانه‌ی ملی وین نگهداری می‌شود.^۴ گفته می‌شود سلطان سلیم اول (۱۵۱۲-۱۵۲۰ م.) که مجموعه‌ی شعری هم به فارسی سروده بود، آن چنان تاریخ و صّاف را عزیز می‌داشت که هنگامی که در جریان لشکرکشی‌اش به سوریه نسخه‌اش گم شد، کاتب سریع‌القلمی را موظف کرد در طی ۲۵ روز کل نسخه را از نو برایش استتساخ کند.^۵

تا پایان قرن ۱۹ میلادی تاریخ و صّاف هم‌چنان از منابع مهم فارسی بود که در قلمرو عثمانی آموزش داده می‌شد و شرح و تفسیرهای زیادی بر آن نوشته شده بود.^۶ هامر در سال ۱۸۵۶ م. جلد

۱. شریک امین، شمیس، فرهنگ اصطلاحات دیوانی دوران مغول، فرهنگستان زبان ایران، ۱۳۵۸.

۲. علاوه بر نسخه‌هایی که در استوری/برگل (۱۹۷۲ م.) آمده، جودیت فایفر ۱۲ نسخه‌ی دیگر در فهرست‌های کتاب‌خانه‌های هند یافته که اکثراً در سده ۱۹ میلادی استتساخ شده‌اند. نک:

Pfeiffer, 2007: 107.

3. Ibid: 113-14.

۴. کتاب‌خانه‌ی ملی وین، شماره N.F. 220a.

۵. بر اساس نسخه‌ی تاریخ سلطان سلیم از نویسنده‌ای ناشناس.

Diez, H.F. "Selim I, als Dichter und Mann von Geist, als Regent und Mensch." in *Denkwürdigkeiten von Asien in Künsten und Wissenschaften, Sitten, Gebräuchen und Alterthinnern, Religion und Regierungsverfassung aus ilaadüchiifLöu und eigenen Erfahrungen gesammelt von Heinrich Friedrich von Diez, Königl. (Berlin, 1811): part 1, 273-77.*

این روایت در «سلیم‌نامه» در تاج التواریخ هم آمده است:

Hoca Sadeddin Efendi, *Tâcü't-Tevârih*, ed. Parmaksiziglu (Istanbul, 1979): vol. 4: 122-142.

این روایت در دالوند، ۱۳۸۲، ص ۶۸، پانویس ۱۴، آورده شده اما در باره‌ی جنگ مصر، و این که نسخه را اعراب بدوی در صحرای مصر سرقت کرده بودند. کاتب هم حسن‌شاه پدر سعدالدین مورخ عثمانی بوده است.

۶. Pfeiffer (۲۰۰۷): ۱۱۴-۱۶. چند نمونه از این آثار در مقاله‌ی فایفر آمده است:



اول تاریخ و صّاف را بر اساس نسخه سلطان محمد فاتح و با بهره‌گیری از «شرح و صّاف» ناظم‌زاده و تفسیر نائلی به آلمانی ترجمه و منتشر کرد.^۱ متأسفانه دست اجل به هامر مهلت نداد چهار جلد دیگر تاریخ و صّاف را چاپ کند که با دقت بسیار مطالعه کرده بود و با وفاداری تحسین‌برانگیزی به شیوه نگارش و صّاف و حتی با در نظر داشتن اوزان شعری آن ترجمه کرده بود.^۲ پس از هامر در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم پژوهشگران اروپایی، از جمله چارلز ریو و به تبع وی ادوارد براون، نظرات منفی در باره شیوه انشای پر تصنع و مغلق و متن مطمئن تاریخ و صّاف ابراز کردند که به سرعت بین سایر محققین فراگیر شد و به نوعی مانعی بر سر راه مطالعات بیش‌تر پدید آورد.^۳

در سال ۱۸۵۲ م. (۱۲۶۹ ق.) برای نخستین بار هر پنج مجلد در بمبئی چاپ سنگی شد و سپس در سال ۱۳۳۸ خورشیدی در تهران افست شد.^۴ دو چاپ سنگی دیگر نیز در تبریز و لاهور به ترتیب در سال‌های ۱۸۹۷ و ۱۹۲۹ م. به چاپ رسیدند.^۵ در سال ۱۳۴۶ ش. «تحریر تاریخ و صّاف» که خلاصه‌ای از پنج جلد است به قلم عبدالمحمد آیتی به چاپ رسید. این تصحیح بر اساس چاپ سنگی بمبئی و نسخه دانشگاه تهران مورّخ ۸۷۱ ق. است.^۶ نسخه‌برگردان جلد چهارم تاریخ و صّاف از روی نسخه مؤلف آن به کوشش ایرج افشار و محمود امیدسالار و نادر مطلبی کاشانی در سال ۱۳۸۸ ش. چاپ شد.^۷ در همان سال علی‌رضا حاجیان‌نژاد مجلد

1. Waṣṣāf, Tajziyāt al-amṣār va tazjiyāt al-a'sār (Geschichte Wassaf's): Persisch herausgegeben und Deutsch übersetzt (Vol. 1), ed. & trans. J. von Hammer-Purgstall (Vienna, 1856).

Nā'ili Efendi, Aḥmed b. Mīrzā Muḥammad b. Ḥabīb, Tārīkh-i Waṣṣāf ṣherhi (Istanbul, Suleymaniye, Mihrişah Sultan, no. 317/2).

نسخه‌ای از تاریخ و صّاف مشتمل بر هر پنج مجلد هم در مؤسسه خاوری سن پترزبورگ قرار دارد که به دست «حسین بن محمد الناطمی الشهیر به ناظم‌زاده» استنساخ شده و دارای اعراب‌گذاری و معنی لغات دشوار است. نک:

Rosen, V.R. Les Manuscrits Persans de l'Institut des Langues Orientales (St Petersburg, 1886): 52, no. 5.

۲. خوش‌بختانه در سال ۲۰۰۸ پروژه چاپ ترجمه سایر جلد‌های تاریخ و صّاف به همت زبیبه و نکر به نتیجه رسید و سه جلد دیگر تا سال ۲۰۱۶ به چاپ رسید.

Waṣṣāf, 'Abd Allāh b. Faḥr Allāh, Geschichte Wassaf's, ed. S. Wentker et al., trans. J. Hammer-Purgstall, 4 vols (Vienna, 2016–2010).

۳. برای نمونه‌هایی از این نظریات، نک ص ۶۰ مقاله اختیاری، زهرا؛ محمودی، علی‌رضا، «تازگی‌های تصویرهای تشبیهی در تاریخ و صّاف»، پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی، شماره ۸ (۱۳۸۹): ۵۹–۷۶.

۴. و صّاف، تاریخ و صّاف، به اهتمام حاجی محمد مهدی اصفهانی، (بمبئی ۱۲۶۹ ق.)؛ تهران، کتاب‌خانه ابن سینا و جعفری تبریزی (۱۳۳۸ خ.).

5. Muḥammad Mahdī Iṣfahānī (Bombay, 1269/1853). See *ibid.*: 128–29.

۶. هم‌چنین بنگرید به مقاله آیتی ذیل تاریخ و صّاف در دانش‌نامه جهان اسلام
Āyatī, 'A.M. "Tārīkh-i Waṣṣāf", *Historical Sources of the Islamic World: Selected Entries from Encyclopaedia of the World of Islam* (London, 2013): 149–52.

۷. شرف‌الدین عبدالله بن عزالدین فضل‌الله بن ابی نعیم یزدی / شیرازی، تجزیة الأمصار و ترجیة الاعصار (تاریخ و صّاف)، به کوشش ایرج افشار و محمود امیدسالار و نادر مطلبی کاشانی، ۱۳۸۸، ص.





چهارم را بر اساس نسخه مؤلف تصحیح و چاپ کرد.^۱ علی‌رضا امامی به پاره‌ای از اشکالات این تصحیح اشاره کرده و شکل صحیح آن‌ها را آورده است.^۲ شاید عمده‌ترین اشکال تصحیح حاجیان نژاد که امامی ذکر نکرده آن است که او نسخه‌بدل این تصحیح را نسخه ۲۵ ج دانشکده ادبیات دانشگاه تهران معرفی کرده است در صورتی که آن نسخه تنها شامل مجلدهای اول و دوم است و نه مجلد سوم و چهارم! به رغم اهمیت موضوعی و ادبی این اثر، تا کنون تصحیح انتقادی آن شامل نسخه‌بدل‌ها منتشر نشده است، در حالی که «تصحیح و تحلیل تاریخ و صاف از بایسته‌های پژوهش در تاریخ ایران است».^۳

نسخه‌های متقدم

دست‌نویس مؤلف تاریخ و صاف در کتابخانه نورعثمانیه به شماره ۳۲۰۷ نگه‌داری می‌شود که تنها مجلد چهارم را در خود دارد.^۴ به احتمال زیاد پس از نسخه مؤلف، کهن‌ترین نسخ تاریخ‌دار چهار نسخه قرن هشتمی زیر هستند که هر کدام تنها مجلدهای اول و دوم را شامل است.^۵

ایاصوفیه شماره ۳۱۰۹ شامل مجلدهای اول و دوم، مورخ ۷۳۸ ق.^۶

انجمن شرق‌شناسی آلمان (D.M.G.) شماره ۱۴، شامل مجلدهای اول و دوم، مورخ ۷۴۰ ق.

تهران، ادبیات، شماره ۱/۲۵ ج، شامل مجلدهای اول و دوم، مورخ ۷۵۰ ق.^۷

نسخه شماره ۸۳۳ در مجموعه پنی جامع (کتابخانه سلیمانیه) که شامل هر پنج مجلد است

۱. و صاف، عبدالله بن فضل الله، تاریخ و صاف الحضرة، ج ۴، ۱۳۸۸.

۲. امامی، علی‌رضا، «نسخه برگردان تاریخ و صاف»، نامه بهارستان، سال ۱۱، دفتر ۱۷، ۱۳۸۹، صص ۲۷۹-۲۹۲.

۳. صفری آق‌قلعه، علی، «تجزیه الامصار و ترجیه الاعصار»، گزارش میراث، شماره ۳۷، ۱۳۸۸، ص ۴۸.

۴. بررسی و مطالعه نسخه مؤلف با جزئیات مفید در نامه بهارستان منتشر شده است. غازی اوزگودنلی، عثمان، «نسخه‌ای از تاریخ

و صاف به خط مؤلف و مهر کتابخانه ربع رشیدی»، نامه بهارستان، دفتر ۷ و ۸، ۱۳۸۲، صص ۶۳-۷۲.

۵. نسخه ۱۹۳ تهران، مدارک فرهنگی مورخ ۷۱۱ ق. نیز در فهرس دیده می‌شود که قید شده دارای قسمتی از جلد اول و دوم است. با توجه به این که گفته شده خط آن شکسته نستعلیق است به نظر می‌رسد تاریخ آن ساختگی است و یا اشتباهاً تاریخ نگارش اثر به جای تاریخ نسخه برداشت شده است.

۶. برای اطلاعات پیش‌تر نک:

Tauer, F. "Les manuscrits persans historiques des bibliothèques de Stamboul, III", Archiv orientální, 3:1 (1931): 467-73. Storey (1927-39): 267-70.

۷. همان‌طور که در فهرس بیان شده، این نسخه تنها حاوی جلد اول و دوم است (برای نمونه نک: ص ۸۱ از مقاله دانش‌پژوه، محمدتقی، «فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده ادبیات»، سال ۸، شماره ۱، ۱۳۳۹، ۵۲۳-۵۲۶). با این وجود حاجیان نژاد در تصحیح جلد چهارم تاریخ و صاف از نسخه دانشگاه تهران به عنوان نسخه بدل (نسخه ب) بهره برده و بیان کرده است که این نسخه دارای هر پنج جلد تاریخ و صاف است. حاجیان نژاد، ۱۳۸۸، صص ۴ و ۵.





نسخه‌ای بی‌تاریخ است اما می‌توان آن را متعلق به اواخر قرن هشتم دانست.^۱ از نسخ کتابت شده تا اواسط قرن نهم نیز می‌توان به چند نمونه زیر اشاره کرد: قم، کتاب‌خانه آیت‌الله مرعشی، شماره ۱۳۰۴۵، حاوی جلد چهارم و پنجم، مورخ ۸۴۴ق. تهران، کتاب‌خانه ملی ملک، شماره ۴۰۹۳، حاوی انتهای جلد سوم، مورخ ۸۵۷ق. تهران، کتاب‌خانه ملی ملک، شماره ۳۹۰۰، حاوی مجلدهای اول و دوم، مورخ ۸۵۸ق. فایفر معتقد است که قدیمی‌ترین نسخه مجلد پنجم جزئی از نسخه وین است که تاریخ ۸۶۶ق. را بر خود دارد (کتاب‌خانه ملی وین، شماره N.F.220a).

در هیچ یک از فهرس و مطالعات خارجی یا داخلی اشاره‌ای به تاریخ و صاف بایسنغری نشده است. تنها فهرستی که ویژگی‌های ظاهری این اثر در آن به طور خلاصه معرفی شده، آن را تحت عنوان تاریخ جهانگشای جوینی فهرست کرده است.^۲

دو نسخه کتاب‌خانه بایسنغر میرزا

یک نسخه از «تاریخ و صاف» در سال ۸۳۵ق. برای کتاب‌خانه بایسنغر کتابت شده است و از سال ۱۹۳۷م. در مجموعه کی‌پر به شماره VII: 62 قرار دارد.^۳ به دلیل ارتباط مضمون تاریخ و صاف و تاریخ جهانگشای جوینی و این که نسخه «تاریخ جهانگشای» بایسنغری نیز تا کنون معرفی نشده، در ادامه پس از شرح کوتاهی از این نسخه تاریخ جهانگشا، به تاریخ و صاف بایسنغری می‌پردازم.

۱. «تاریخ جهانگشای» بایسنغری مورخ ۸۳۴ ق

نسخه تاریخ جهانگشای عطاء ملک جوینی در اواخر ربیع الاول سال ۸۳۴ق. به قلم سعد مشهدی برای بایسنغرسطان کتابت شد. این نسخه که اکنون در کتاب‌خانه عمومی سن‌پترزبورگ (شماره PNS. 233) نگهداری می‌شود، ۲۷۹ برگ دارد. جلد چرمی تیره و کهنه آن، متأخرتر

۱. این نسخه حاوی مجلد اول در برگ‌های ۱-۶۱، مجلد دوم ۶۱-۱۰۶، مجلد سوم ۱۰۶-۱۷۸، مجلد چهارم ۱۷۸-۲۱۶ و مجلد آخر ۲۱۶-۳۰۲ است.

2. Robinson, B.W., E.J. Grube, et al. *Islamic Painting and the Arts of the Book: the Keir Collection* (London, 1976): p. 296, VII. 62 and plate 42.

۳. جودیت فایفر در بخشی از رساله دکتری‌اش به اهمیت تاریخ و صاف نزد تیموریان و صفویان پرداخته است. Pfeiffer, J. "Conversion to Islam among the Ilkhans in Muslim Narrative Traditions: The case of Aḥmad Tegüder" (Ph.D. dissertation, University of Chicago, 2003): ch. iv.ii.c.





از نسخه است و با یک ترنج کوچک، دو سر ترنج و چهار لچکی مزین شده است. کاغذ آن سمرقندی ضخیم، به رنگ کرم تیره است و به خوبی آهار و مهره خورده است. سرفصل‌ها با زر، شنگرف یا لاجورد نوشته شده است اما در برخی موارد لاجورد محو شده است. تمام برگ‌ها رکابه‌نویسی شده است. خط نسخه، نستعلیق اولیّه است مشابه آنچه در اکثر نسخه‌های بایسنغری می‌بینیم. با این که روی برگ ۱ الف با کاغذ پوشانده شده است، هنوز می‌توان شمسّه کتاب‌خانه بایسنغر را در برابر نور در زیر آن مشاهده کرد و حتّی عبارت «برسم خزانه الکتب السلطان الخاقان» را هم می‌توان خواند.^۱ مُهر «وزیر مختار دولت علیّه روسیه» بر این برگ نقش بسته است.

برگ ۱ ب دارای سرلوح مذهب زیبایی است که متأسّفانه جز رنگ زر، سایر رنگ‌های آن شسته و محو شده است. انجامه نسخه در برگ ۲۷۹ ب، نام کاتب و تاریخ کتابت را چنین آورده: «وقد خدم بكتابة هذه النسخة الشريفة الفقير احوج خلق الله اليه اقل عبید السلطاني سعد المشهدی فی اواخر ربيع الاول ۸۳۴». بر حاشیه مرمت‌شده این برگ مُهر «الفقير حمزه بن حسن» دیده می‌شود.

این نسخه تا کنون مورد مطالعه هیچ پژوهشی نبوده است. تامس لنتز در فهرست نسخه‌های بایسنغری به این دست‌نویس تاریخ جهانگشا مورّخ ۸۳۴ ق. اشاره‌ای نمی‌کند، اما به نسخه تاریخ و صّاف از کتاب‌خانه بایسنغر میرزا مورّخ ۸۳۵ ق. می‌پردازد که در آن زمان در مجموعه کی‌پر در شهر لندن بوده است. او در توصیف آن نسخه می‌نویسد «تاریخ جهانگشای است و شمسّه کتاب‌خانه بایسنغر را دارد، اما نام کاتب در انجامه آن نیامده است».^۲ اشتباه وی از آن جا ناشی می‌شود که به خود نسخه دسترسی نداشته و منبع او فهرست نسخه‌های مجموعه کی‌پر بوده است که در سال ۱۹۷۶ توسط بازیل رایینسون نوشته شده است.^۳ دیوید راکسبرا نیز به پیروی از رایینسون و لنتز نسخه تاریخ و صّاف را به اشتباه تاریخ جهانگشای جوینی می‌داند.^۴

۲. «تاریخ و صّاف» بایسنغری مورّخ ۸۳۵ ق.

مجموعه کی‌پر، که یکی از بزرگ‌ترین مجموعه‌های خصوصی هنر اسلامی در دنیاست، این نسخه تاریخ و صّاف را در سال ۱۹۷۲ م. از مجموعه فلایشکر خرید. ادموند دو اونگر (۱۹۱۸-۲۰۱۱ م.)، صاحب مجموعه کی‌پر، در سال ۲۰۱۱ اندکی پیش از وفات‌اش با موزه پرگامون برلین

۱. نسخه مؤلف (نورعثمانیه) هم چنین است و شمسّه پوشانیده شده است.

2. Lentz (1985): 150–51 and 468–69.

3. Robinson (1976).

4. Roxburgh (2001): 19–22. See Robinson, B.W., I. Stchoukine, et al. *Islamic Paintings and the Arts of the Book* (London, 1976): 296.



برای نمایش و مرمت آثار مجموعه‌اش قرارداد بست و در پی آن اشیاء از لندن به برلین منتقل شدند. پس از درگذشت مجموعه‌دار، وراثت او مجموعه‌اش را از موزه برلین پس گرفتند و قرارداد جدیدی منعقد کردند که به موجب آن از ماه مه سال ۲۰۱۴ این مجموعه به مدت ۱۵ سال به موزه هنر دالاس امانت داده شده است. با اضافه شدن این مجموعه، موزه دالاس به سومین مجموعه بزرگ هنر اسلامی در امریکا تبدیل شده است. در خلال سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۷ برای دیدن این نسخه بایسنغری با موزه هنر دالاس در مکاتبه بودم، اما مجموعه کی‌پر هنوز در دالاس مستقر نشده بود و پی‌گیری وضعیت نسخه و دسترسی به آن مقدور نبود. در اوایل سال ۲۰۱۸ دریافتیم که نسخه در دست مرمت است تا سرطبل جلدش که جدا شده بود، تعمیر شود. ماه مه سال ۲۰۱۸ مسئول مرمت نسخه، خانم دکتر هلن لاودی چند تصویر (با گوشی موبایل) از نسخه مرمت شده برایم ارسال داشت که به تکمیل مطالعه من بر روی این نسخه کمک شایانی کرد و از ایشان بسیار سپاس گزارم.

مشخصات ظاهری

جلد نسخه سوزنی بوم چرمی سرطبله‌دار است.^۱ نقش یک گلدان پر از گل در میان لچک‌هایی با طرح گل با نخ نقره روی چرم قهوه‌ای سوزن‌دوزی شده است (تصویر ۱). این جلد عثمانی که احتمالاً مربوط به اواخر قرن نوزدهم باشد، هنگام گزارش رابینسون در سال ۱۹۷۶ آسیب دیده و تقریباً جدا شده بوده، اما همان طور که ذکر شد اخیراً به دست هلن لاودی تعمیر شده است.^۲ آستر جلد از ابریشم سبزرنگ است که در جلدهای عثمانی زیاد دیده می‌شود.

متن این دست‌نویس حاوی ۳۴۴ برگ است و هر صفحه ۲۷ سطر دارد. آیات قرآنی، احادیث، عناوین، برخی اشعار عربی و ضرب‌المثل‌ها با خط نسخ و رقا و با طلا، قرمز یا لاجورد نوشته شده است. در حواشی یادداشت‌های بسیاری از جمله یادداشت‌های تصحیح به چشم می‌خورد که اغلب به خط نستعلیق است اما نوشته‌هایی به خط شکسته هم وجود دارد. انتهای نسخه، افتادگی دارد و انجامه یا نام کاتب دیده نمی‌شود.

شمسه آغازین نسخه در برگ ۱ الف با نقش مایه‌های معمول نسخ بایسنغری تزئین شده است و در کتیبه زرین میانی‌اش به خط رقا سفید چنین آمده: «برسم خزانه الکتب السلطان الاعظم بایسنغر بهادر خان خلد الله ملکه» (تصویر ۲).

۱. در باره این نوع جلد نک: رعنا حسینی، کرامت، «جلد سوزنی بوم چرمی»، در صحافی سنتی، گردآوری ایرج افشار، دانشگاه تهران، ۱۳۵۷.

2. Robinson, Grube, et al. (1976): 296.





لتنز معتقد است این شمسۀ درخشان، رنگین‌تر از سایر شمسه‌های بایسنغری است، اما احتمالاً این نظر وی صرفاً بر اساس تصویر چاپ شده در فهرست کی‌پر بوده است، زیرا پالت رنگی این شمسه در مقایسه با شمسه‌های دیگر بایسنغری از تنوع رنگی بیش‌تری برخوردار نیست. به جز طلایی، سفید و سیاه، قرمز اخراپی و لاجورد که تقریباً در تمام تذهیب‌های بایسنغری دیده می‌شود، در این جا اندکی سبز، بنفش روشن و قرمز روشن در یک بند ختایی دور دایره میانی شمسه می‌بینیم که کتیبه و دو سر ترنج را در خود جای داده است. طرح این شمسه به طرح شمسۀ آغاز خمسۀ نظامی در نسخه ۶۳۱۰ کتاب‌خانه ملک نزدیک است (تصویر ۳).^۱

چهار فصل تاریخ و صّاف هر یک با سرلوحی مذهب آغاز می‌شود: برگ‌های ۱ ب، ۷۸ ب، ۱۴۳ ب و ۲۱۹ ب (تصویر ۴) و از لحاظ هنری به سرفصل‌های خمسۀ نظامی پیش‌گفته نزدیک هستند. برگ پایانی نسخه، برگ ۳۴۴ ب، تا انتهای متن جلد چهارم تاریخ و صّاف را به جز بخش «خاتمه کتاب» (یعنی دو برگ افتادگی) در خود دارد. احتمالاً این دو برگ پایانی به دلیل آسیب‌دیدگی پیش از فروش از انتهای نسخه جدا شده‌اند و یک سوم پایین صفحه با تذهیب برافزوده پوشانده شده است تا متن ناقص دیده نشود (تصویر ۵). این تذهیب شامل یک شمسه و دو سر ترنج است که از شمسۀ آغازین کپی شده و با یک چرخش نود درجه‌ای بر زمینه‌ای طلایی نقش شده است. مذهب نقوش برافزوده، با ذوق سرشار دو حاشیه با تذهیب مشابه را در دو سوی این شمسۀ افقی به علاوه چهار لچک کوچک اضافه کرده است. بر کتیبه شمسه، تاریخ تکمیل نسخه نوشته شده است: «فی شهر سنه خمس و ثلاثین و ثمانمائه». به گمان من برافزاینده این تذهیب، تاریخ نسخه را از انجامه اصلی که احتمالاً آسیب دیده بوده، برگرفته است و آن را در شمسۀ مذهب لحاظ کرده است، زیرا کاملاً صحیح می‌نماید که تاریخ جهانگشای در سال ۸۳۴ ق. و تاریخ و صّاف در ادامه آن در ۸۳۵ ق. به پایان رسیده باشد.

نگاره‌ها

چهار نگاره در فضاها خالی پیش از هر فصل روی برگ‌های ۷۷ ب، ۷۸ الف، ۱۴۳ الف، ۲۱۹ الف اضافه شده است (تصویر ۶، ۷). رایبسون در شرح چهار نگاره نسخه می‌گوید آن‌ها به سبک تیموری صفوی کار شده‌اند. او می‌گوید نگاره‌ها «کیفیت خوب» دارند و «تلفیقی از خصوصیات هرات قرن نهم و شیراز قرن دهم‌اند». برای تاریخ افزودن نگاره‌ها به نسخه، به تاریخچه مختصری که از آن داریم نگاهی می‌اندازیم. این نسخه در سال ۱۹۳۷ م. در سن فرانسیسکو به نمایش درآمد. در کاتالوگ نمایشگاه اشاره‌ای به این تصاویر نشده و رایبسون معتقد

۱. این نسخه حاوی شاهنامه فردوسی و خمسۀ نظامی است و هم‌زمان با شاهنامه بایسنغری کتاب‌خانه کاخ گلستان در دست تهیه بوده و در یک سال (۸۳۳ ق.) هم به انجام رسیده است.



است که همین دلیل کافیست تا تاریخ اضافه‌کردن نگاره‌ها را بعد از نمایشگاه ۱۹۳۷ بدانیم. احتمال دارد حدس رایینسون درست باشد، اما در کاتالوگ نمایشگاه نه در باره شمسه ابتدای نسخه که به احتمال قریب به یقین اصل است، نه درباره تذهیب پایانی آن توضیحی آمده است. همان طور که در نسخه ۶۳۱۰ کتاب‌خانه ملک که حاوی شاه‌نامه فردوسی و خمسۀ نظامی است، دو نگاره برافزوده در فضای خالی بین انتهای شاه‌نامه و آغاز خمسۀ کار شده، در این نسخه نیز از فضای خالی آخر هر فصل به عنوان محلی برای افزودن نگاره بهره برده شده است.^۱ اما دو نگاره نسخه ملک به لحاظ سبک و اجرا با نگاره‌های تاریخ و صّاف ارتباطی ندارند. نگاره‌هایی مشابه نگاره‌های برافزوده تاریخ و صّاف بایسنغری را می‌توان در دو نسخه دیگر یافت:

۱. نسخه مصیبت‌نامه عطار نیشابوری، مورّخ ۸۳۳ق. که اکنون در کتاب‌خانه چستریتی دابلین، شماره Per. 121 نگه‌داری می‌شود. در انجامة مصیبت‌نامه امضای «اظهر الکاتب» را می‌بینیم و چنان که از یادداشت‌های پادشاهان هند و عرض‌دیده‌ها برمی‌آید، این نسخه چندین نسل در کتاب‌خانه‌های سلطنتی هند نگه‌داری می‌شده و قلم اظهر بسیار مورد ستایش بوده است.^۲ گذشته از مهر و یادداشت‌های اکبر، شاه‌جهان و اورنگ‌زیب که گواه اهمّیت این نسخه نزد پادشاهان هند است، قیمت نسخه در آن زمان آن را در ردیف نسخه‌های درجه یک قرار می‌دهد.^۳ در این نسخه برای افزودن نگاره‌ها روی متن اشعار عطار پوشانده شده است (تصویر ۸). یادداشتی در ظهر نسخه گواهی می‌دهد که از هند به افغانستان برده شده بوده و در سال ۱۸۲۴م. از آن‌جا خریداری شده است.^۴ مشخص نیست در چه تاریخی و به چه طریقی این دست‌نویس به مجموعه

۱. برای اطلاعات بیشتر در باره مختصات نسخه ملک و نگاره‌های این نسخه نک:

Mihan, S. "The Baysunghuri manuscript in the Malek Library", *Shahnama Studies III: The reception of the Shahnama*, ed. C.P. Melville & G. Van den Berg (Leiden, Boston, 2018a): 373-419.

سید عبدالمجید شریف‌زاده این دو نگاره را محصول کارگاه بایسنغری می‌داند. شریف‌زاده، سید عبدالمجید، «دو نگاره»، ۱۳۹۳.

۲. خط این نسخه با این که شباهت زیادی به خط اظهر، شاگرد جعفر بایسنغری دارد، به باور نگارنده اثر قلم وی نیست (به دلایل ارتوگرافیک). نسخه دیگری با خط مشابه و باز هم به امضای اظهر در کتاب‌خانه موزه متروپولیتن نیویورک وجود دارد که یادداشت‌های تملک و عرض‌دیده‌های بسیار از دربار پادشاهان هند بر آن دیده می‌شود (هفت‌پیکر، شماره ۲۳۲، ۱۹۹۴). از آن‌جا که این نسخه را هنوز از نزدیک بررسی نکرده‌ام نظر قاطعی ندارم، اما احتمال این که چنین اهمّیت و ارزشی برای خط اظهر در هند باعث پدیدآمدن نسخه‌های جعلی شده باشد را نمی‌توان از نظر دور داشت. جلد هفت پیکر، لاکه هندی است و بر نگاره‌هایش امضای بهزاد زده شده است! نسخه‌ای از بوستان سعدی با امضای «اظهر الکاتب» در آرشیو ملی کابل (ش ۲۱۶) جای دارد که تاریخ ۹۸۷ق. بر انجامة‌اش هست و برگ اولش مهر پادشاهان هند را بر خود دارد. برای اطلاعات بیشتر نک: افضل، فهرست نسخ خطی آرشیو ملی افغانستان، ۱۳۶۳، ص ۱۰۸، شماره ۳۱.

۳. برای لیست قیمت نسخه‌ها و ارزش و کیفیت آن‌ها، نک:

Seyller, J. "The inspection and valuation of manuscripts in the Imperial Mughal Library", *Artibus Asiae*, 57:3/4 (1997): 243-349.

۴. انتهای این یادداشت محو و کم‌رنگ شده است: دهم ذی الحجّه ۱۲۳۹ در دارالسلطنه کابل بمبلغ ... خریداری شد.





چستریتی اضافه شده اما می‌دانیم که او در دهه ۱۹۲۰ سفری به آسیا و ایران داشته است.

۲. نسخه دیوان قاسم انوار در کتاب‌خانه بریتانیا به شماره Or. 11363، مورّخ دهم ربیع الثانی ۸۶۱ق. که در بردارنده شش اثر از اشعار فارسی و ترکی قاسم انوار است. نام کاتب در انجامه عبدالله کاتب اصفهانی آمده است. در این نسخه روی متن پوشیده نشده و از فضاهای خالی موجود استفاده شده است (تصویر ۹). بر اساس یادداشت ظهر نسخه می‌دانیم که این دست‌نویس در سال ۱۹۳۳م. توسط رابرت اسکات گرین شیلدز به موزه بریتانیا اهدا شده، اما تاریخی که او این نسخه را ابتیاع کرده، بر ما پوشیده است.

هم‌چون نسخه تاریخ و صّاف بایسنغری، هر یک از دو نسخه فوق دارای چهار نگاره برافزوده است. شیوه اجراء، تناسبات و پوشش پرسناژها و پالت رنگی در هر سه نسخه مشابه است. موضوع نقاشی‌ها هم تقریباً یکسان بوده و عموماً بازنمایی یک صحنه درباری است. به باور نگارنده، نگاره‌های هر سه نسخه توسط دست واحدی نقش شده که نقاشی باتجربه و دارای سبک خاص خود بوده است. با این که عناصر بصری به کار رفته در کمپوزیسیون‌های او از نظر مکتب‌شناسی آنکرونیستیک است، شیوه کار این هنرمند از کیفیت بالایی برخوردار بوده است. شاید بتوان گفت او هنرمندی ایرانی با سابقه کار در حوزه نقاشی سنتی بوده که از هنر عثمانی هم تأثیر گرفته است و یا این که هنرمندی عثمانی بوده که در زمینه نقاشی سنتی تجربه وافی داشته است. بر اساس زمان احتمالی اضافه شدن تذهیب و نگاره‌های الحاقی به این نسخ می‌توان حدس زد که این هنرمند حدود ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۷ فعال بوده است.^۱ زیرا اندکی بعید می‌نماید که تاریخ و صّاف بدون ملحقات در نمایشگاه ۱۹۳۷ عرضه شده باشد و سپس برای پرمات‌تر شدن به ایران یا ترکیه برگشته و مجدداً پس از افزودن نگاره‌ها به اروپا فرستاده شده باشد؛ هر چند با هیچ قطعیتی نمی‌توان در این باره نظر داد و به مدارک بیش‌تری در باره تاریخچه نسخه نیاز است.

ارزش نسخه تاریخ و صّاف بایسنغری در مقابله و تصحیح

نسخه تاریخ و صّاف مجموعه کی‌پر مورّخ ۸۳۵ق. احتمالاً متقدم‌ترین نسخه دارای جلد سوم این اثر است. با توجه به این که بایسنغرمیرزا برای اکثر آثار کتاب‌خانه‌اش بر مقابله و تصحیح نسخ مصر بود، می‌توان احتمال داد که این نسخه از مقابله چندین نسخه کهن حاصل آمده و شاید اساس آن دست‌کم در برخی مواضع، نسخه مؤلف بوده است (مقایسه چندین برگ از جلد

۱. دو استاد بزرگوار اردشیر مجرد تاکستانی و نوشاد رکنی احتمال داده‌اند که این نگاره‌ها به قلم حسین طاهرزاده بهزاد باشد که در آن بازه زمانی در استانبول به سر می‌برد. متأسفانه در نبود مدارک بیش‌تر داوری قطعی در این باب امکان ندارد.



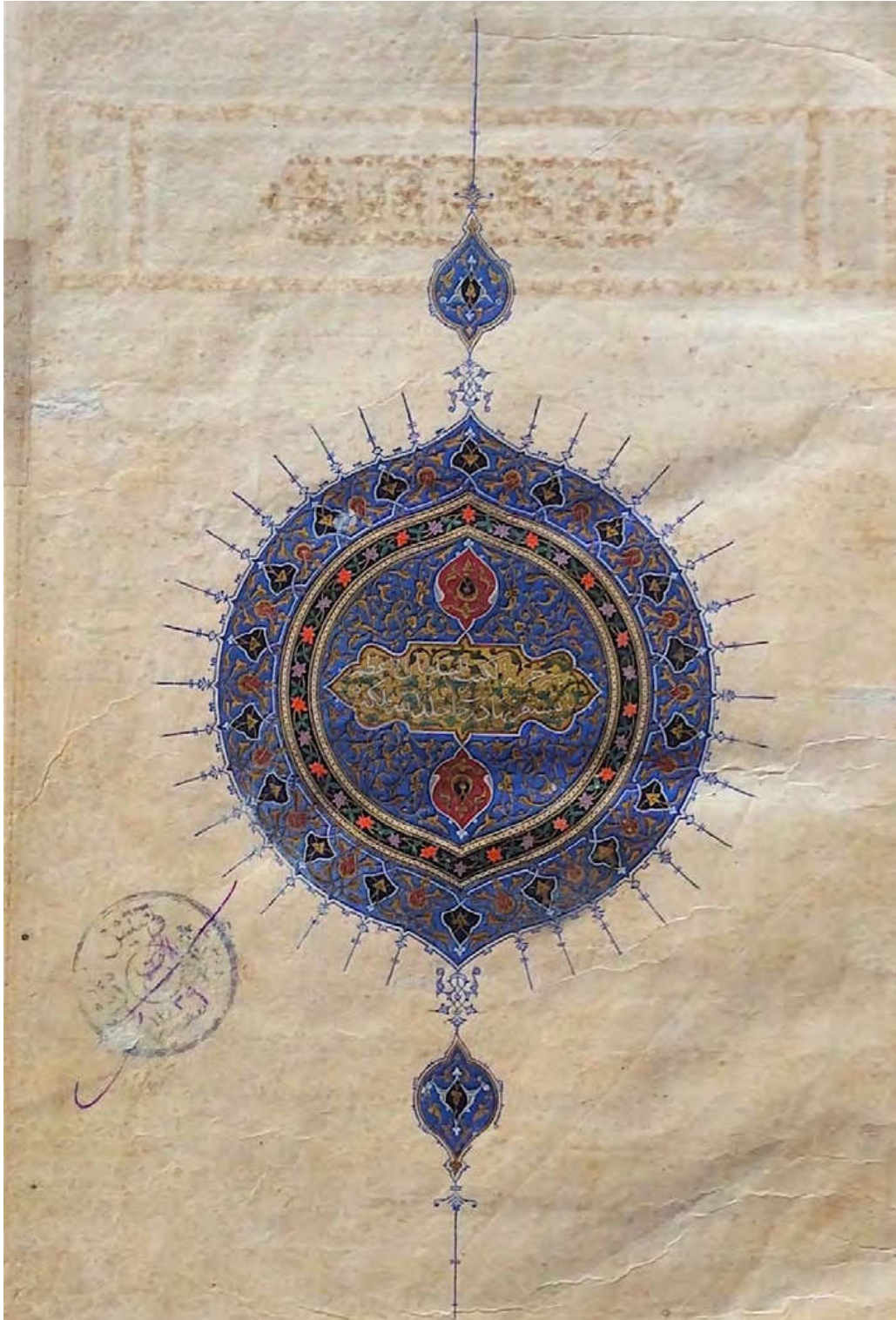
چهارم این نسخه با نسخه مؤلف، مشابهت زیادی بین دو متن را نشان می‌دهد). بر مبنای شیوه کار کتاب‌خانه بایسنغر و کهن و (تقریباً) کامل بودن نسخه می‌توان گمان برد که تاریخ و صاف بایسنگری یکی از معتبرترین نسخ تاریخ و صاف باشد و بایسته است به عنوان یک نسخه بدل مهم در تصحیح مورد استفاده قرار گیرد.^۱



۱. موضوعات مورد علاقه بایسنغمیرزا برای کتابت در کارگاه کتاب‌پردازی‌اش در هرات در رساله دکتری نگارنده بحث شده و شواهدی از فرمان وی برای تصحیح و تهذیب متون در موارد متعدد ارائه شده است. نک: فصل ششم از (Mihan, 2018b).

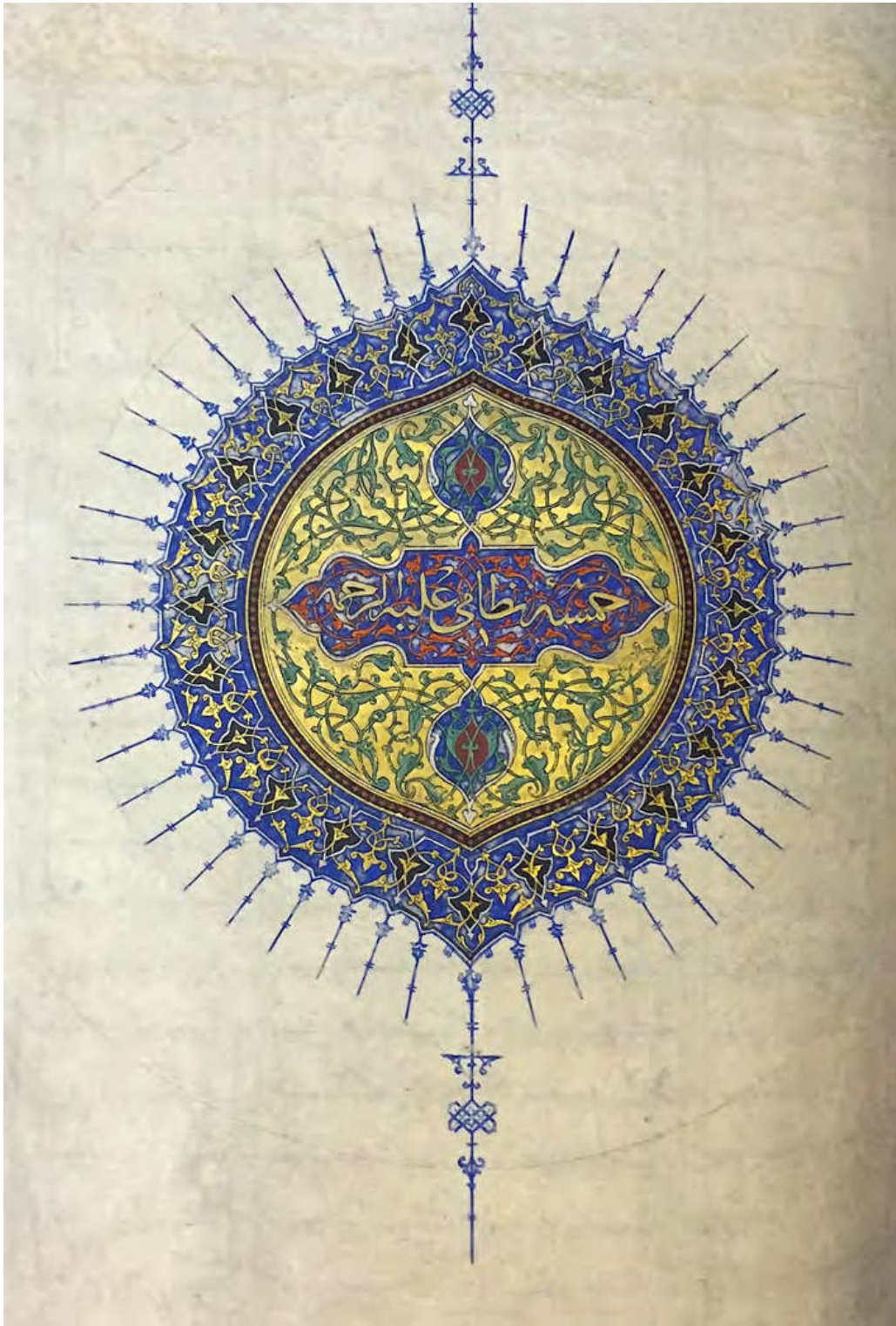


نامه بایسنغر، شماره نخست، ۱۳۹۸ خورشیدی

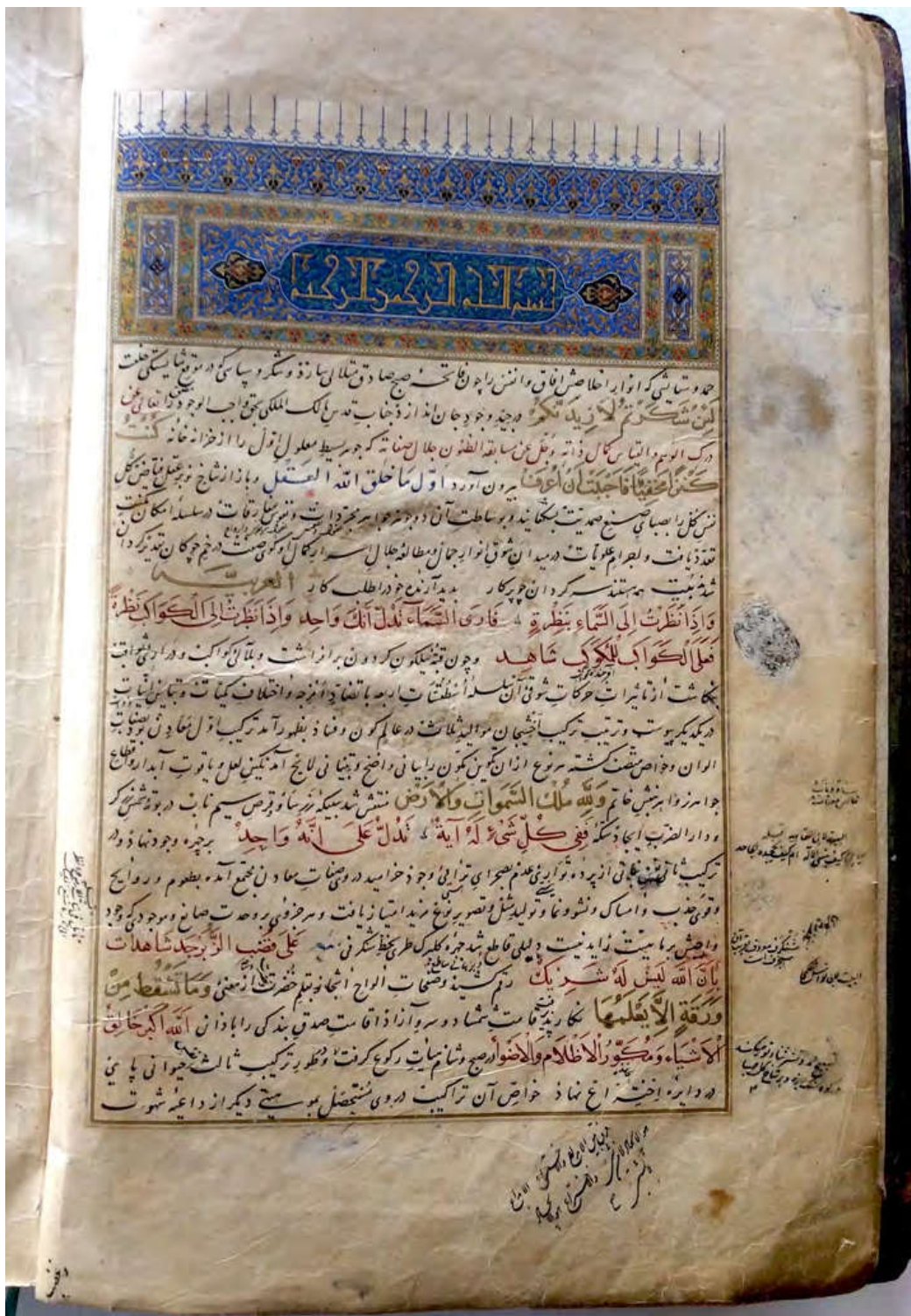


نامه بایسنقر، شماره نخست، ۱۳۹۸ خورشیدی

تصویر ۲: شمسه، برگ ۱ الف، تاریخ و صاف، مورخ ۸۳۵ ق، VII:62، مجموعه کی‌پر، موزه هنر دالاس.



نامه بایسنغر، شماره نخست، ۱۳۹۸ خورشیدی



نامه یا مستشرق، شماره نخست، ۱۳۹۸ خورشیدی

تصویر ۴: سرلوح، برگ ۱، تاریخ و صاف، مورخ ۸۳۵ق، VII:62، مجموعه کی‌یر، موزه هنر دالاس.

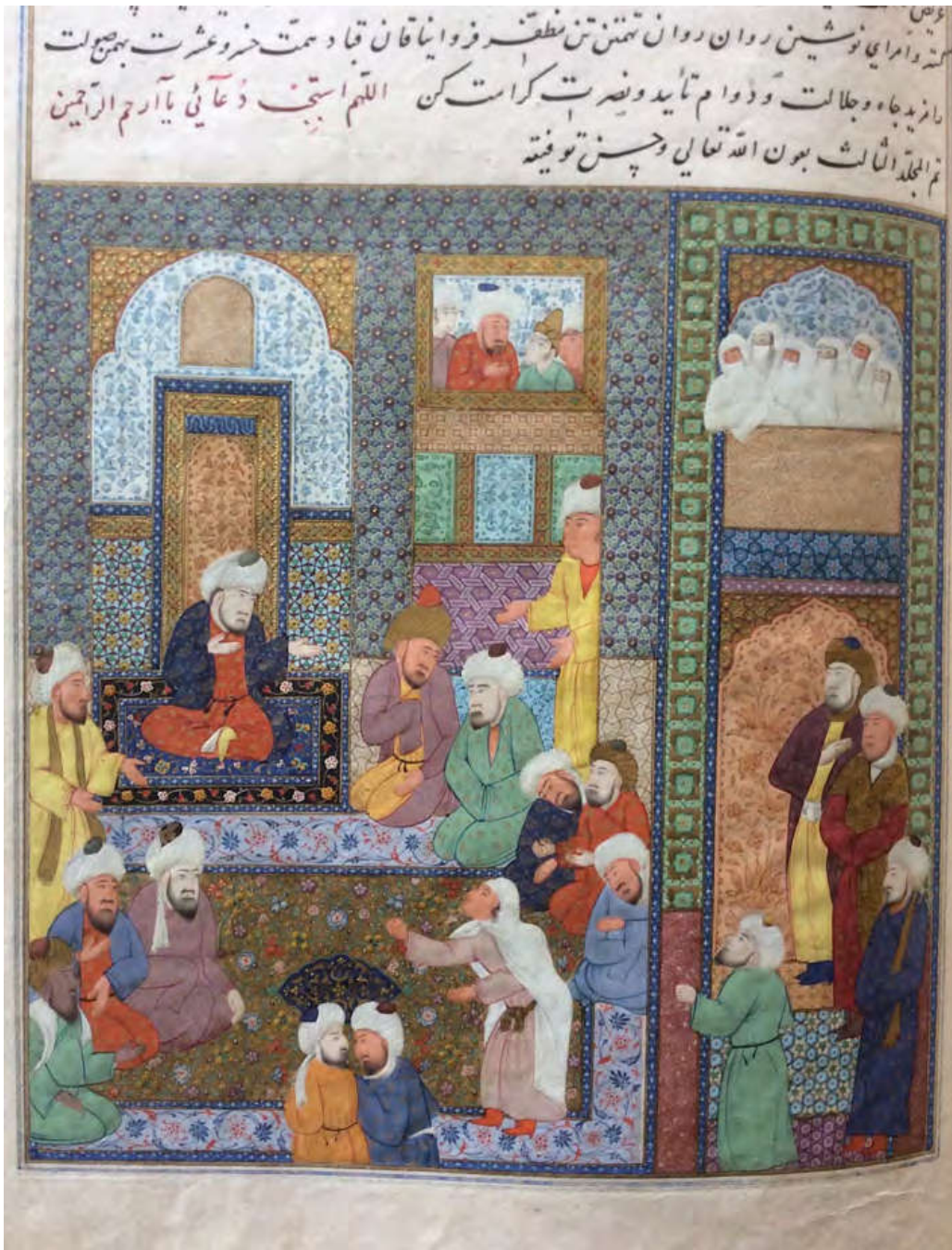


نامه بایسنغر، شماره نخست، ۱۳۹۸ خورشیدی

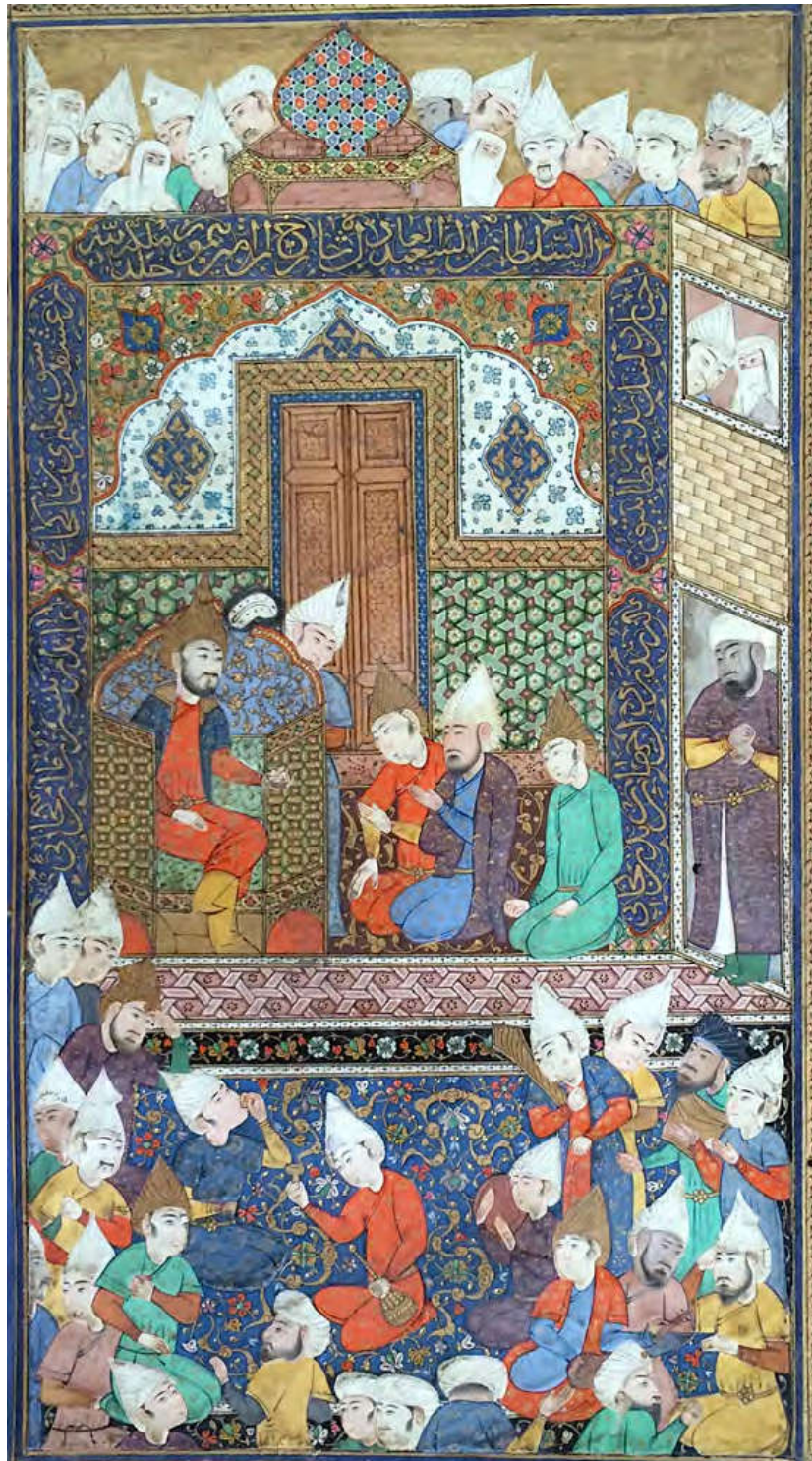
تصویر ۵: انجامة برفازوده، برگ ۳۴۴ب، تاریخ و صاف، مورخ ۸۳۵ق، VII:62، مجموعه کی‌یر، موزه هنر دالاس.



نامه باستانگر، شماره نخست، ۱۳۹۸ خورشیدی



نامه بایسنغر، شماره نخست، ۱۳۹۸ خورشیدی



تصویر ۸: نگارهٔ پرافزوده، برگ ۱ب، مصیبت‌نامهٔ عطار نیشابوری، مورخ ۸۳۳ق، Per. 121، کتاب‌خانهٔ چستربیئی دابلین.



تصویر ۹: نگاره برافزوده، برگ ۱۴۸ ب، دیوان قاسم انوار، مورخ ۸۶۱ ق، Or. 11363، کتاب‌خانه بریتانیا.



فهرست منابع

- اختیاری، زهرا؛ محمودی، علی‌رضا، (۱۳۸۹)، «تازگی‌های تصویرهای تشبیهی در تاریخ و صاف»، پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی، شماره ۸، صص ۷۶-۵۹.
- افضل‌ی، محمدنیر، (۱۳۶۳)، فهرست نسخ خطی آرشیو ملی افغانستان، کابل.
- امامی، علی‌رضا، (۱۳۸۹)، «نسخه برگردان تاریخ و صاف»، نامه بهارستان، سال ۱۱، دفتر ۱۷، صص ۲۷۹ - ۲۹۲.
- آیتی، عبدالمحمد، (۱۳۴۶)، تحریر تاریخ و صاف، مقدمه یا پانویس، تهران.
- دالوند، احمدرضا، (۱۳۸۲)، «تاریخ و صاف و دو الگوی پیشنهادی برای چاپ آن»، آینه میراث، شماره ۲۳، صص ۷۰-۵۵.
- دانش‌پژوه، محمدتقی، (۱۳۳۹)، «فهرست نسخه‌های خطی کتاب‌خانه دانشکده ادبیات»، سال ۸، شماره ۱، صص ۳ - ۵۲۶.
- رعنا حسینی، کرامت، (۱۳۵۷)، «جلد سوزنی بوم چرمی در صحافی سنتی»، گردآوری ایرج افشار، دانشگاه تهران.
- شریف‌زاده، سید عبدالمجید، (۱۳۹۳)، دو نگاره، تهران.
- شریک امین، شمس، (۱۳۵۸)، فرهنگ اصطلاحات دیوانی دوران مغول، ایران: فرهنگستان زبان.
- صفری آق‌قلعه، علی، (۱۳۸۸)، «تجزیه الامصار و تزجیه الاعصار»، گزارش میراث، شماره ۳۷، ص ۴۷.
- غازی اوزگودنلی، عثمان، (۱۳۸۲)، «نسخه‌ای از تاریخ و صاف به خط مؤلف و مهر کتاب‌خانه ربع رشیدی»، نامه بهارستان، دفتر ۷ و ۸، صص ۶۳-۷۲.
- فیفر، جودیث، (۱۳۸۶)، «تاریخی پرطمطراق از فرمان‌روایی مغول در ایران (تأملات معرفت‌شناسانه در باره یک چاپ انتقادی از تجزیه الامصار و تزجیه الاعصار اثر و صاف)»، ترجمه محمدحسین حیدریان، آینه میراث، شماره ۳۹، صص ۲۹۵ - ۳۱۹.
- میهن، شیوا، (۱۳۹۷) «کتاب‌پردازی در دوران تیموری: اهمّیت متن و زیبایی‌شناسی در کتاب‌خانه سلطنتی بایسنغر میرزا از ۸۲۳ تا ۸۳۸ ق.»، دانشگاه کمبریج.
- و صاف، (بمبئی ۱۲۶۹ ق.)، تاریخ و صاف، به اهتمام حاجی محمد مهدی اصفهانی، (بمبئی ۱۲۶۹ ق.)؛ تهران: کتاب‌خانه ابن سینا و جعفری تبریزی.
- و صاف، عبدالله بن فضل الله، (۱۳۸۸)، تاریخ و صاف الحضرة جلد چهارم، تصحیح علی‌رضا حاجیان‌نژاد، تهران.





- یزدی/شیرازی، شرف‌الدین عبدالله بن عزالدین فضل‌الله بن ابی نعیم، (۱۳۸۸)، تجزیة الأمصار و تزجیة الاعصار (تاریخ و صّاف)، به کوشش ایرج افشار و محمود امیدسالار و نادر مطلبی کاشانی، تهران.

- _ Askari, N. *The Medieval Reception of the Shāhnāma as a Mirror for Princes*, Leiden, 2016.
- _ Āyatī, ‘A.M. “Tārīkh-i Waṣṣāf”, *Historical Sources of the Islamic World: Selected Entries from Encyclopaedia of the World of Islam*, London, 2013.
- _ Diez, H.F. “Selim I, als Dichter und Mann von Geist, als Regent und Mensch.” in *Denkwürdigkeiten von Asien in Künsten und Wissenschaften, Sitten, Gebräuchen und Alterthinnern , Religion und Regierungsverfassung aus ilaadüchiifLöu und eigenen Erfahrungen gesammelt von Heinrich Friedrich von Diez*, Königl, Berlin, 1811.
- _ Flügel, G. *Die arabischen, persischen und türkischen Handschriften der Kaiserlich-Königlichen Hofbibliothek zu Wien*, Vienna, 1865.
- _ Hoca Sadeddin Efendi, *Tâcü’t-Tevârih*, ed. Parmaksiziglu, İstanbul, 1979.
- _ Jackson, P. “Waṣṣāf”, *Encyclopaedia of Islam, Second Edition*, Edited by: P. Bearman, Th. Bianquis, C.E. Bosworth, E. van Donzel, W.P. Heinrichs, vol. XI: 174. http://dx.doi.org/10.1163/1573-3912_islam_SIM_7890, last consulted on 20.06.2018.
- _ Kempiners, R.G. “Waṣṣāf’s Tajziyat al-amsār wa tazjiyat al-a’sār as a source for the history of the Chaghadayid Khanate”, *Journal of Asian History*, vol. 22, no. 2, 1988.
- _ Lentz, T.W. “Painting at Herat under Baysunghur ibn Shah Rukh” Ph.D. dissertation, Harvard University, 1985.
- _ Melville, C.P. “Jahāngoṣā-ye Jovayni”, *Encyclopaedia Iranica*, vol. XIV, London, 2008. <http://www.iranicaonline.org/articles/jahangosa-ye-jovayni>, last accessed 05.06.2018.
- _ Melville, C.P. “The early Persian historiography of Anatolia”, *History and historiography of post-Mongol Central Asia and the Middle East: studies in honor of John E. Woods*, ed. J. Pfeiffer, Wiesbaden, 2006.
- _ Mihan, S. “The Baysunghuri manuscript in the Malek Library”, *Shahnama Studies III: The reception of the Shahnama*, ed. C.P. Melville & G. Van den Berg, Leiden, Boston, 2018.
- _ Mihan, S. “Timurid Manuscript Production: The Scholarship and Aesthetics of Prince Bāysunghur’s Royal Atelier: 1420–1435 ” Ph.D. dissertation, University of Cambridge, 2018b.
- _ Nā’ilī Efendi, Aḥmed b. Mīrzā Muḥammad b. Ḥabīb, *Tārīkh-i Waṣṣāf ṣerhi*, İstanbul, Suleymaniye, Mihrişah Sultan, no. 317/2.





- _ Pfeiffer, J. “A turgid history of the Mongol empire in Persia’: Epistemological reflections concerning a critical edition of Vassāf’s Tajziyat al-amsār va tazjiyat al-a’sār”, Theoretical approaches to the transmission and edition of Oriental manuscripts, ed. J. Pfeiffer & M. Kropp Beirut, 2007.
- _ Pfeiffer, J. “Conversion to Islam among the Ilkhans in Muslim Narrative Traditions: The case of Aḥmad Tegüder” Ph.D. dissertation, University of Chicago, 2003.
- _ Rieu, C. Catalogue of the Persian Manuscripts in the British Museum, vol. 1, London, 1879.
- _ Robinson, B.W., E.J. Grube, et al. Islamic Painting and the Arts of the Book: the Keir Collection, London, 1976.
- _ Rosen, V.R. Les Manuscrits Persans de l’Institut des Langues Orientales, St Petersburg, 1886.
- _ Robinson, B.W., I. Stchoukine, et al. Islamic Paintings and the Arts of the Book, London, 1976.
- _ Roxburgh, D.J. “Baysunghur’s library: questions related to its chronology and production”, Journal of Social Affairs, 2001.
- _ Roxburgh, D.J. “Our Works Point to Us’: Album making, collecting, and art (1427–1565) under the Timurids and Safavids” Ph.D. dissertation, University of Pennsylvania 1996.
- _ Roxburgh, D.J. The Persian Album, 1400–1600: from dispersal to collection, New Haven, 2005.
- _ Seyller, J. “The inspection and valuation of manuscripts in the Imperial Mughal Library”, Artibus Asiae, 1997.
- _ Storey, C.A. Persian Literature: a bio-bibliographical survey, London, 1927–39.
- _ Tauer, F. “Les manuscrits persans historiques des bibliothèques de Stamboul, III”, Archiv orientální, 1931.
- _ Vaṣṣāf, ‘Abd Allāh b. Faḏl Allāh, Geschichte Wassaf’s, ed. S. Wentker et al., trans. J. Hammer-Purgstall, 4 vols, Vienna, 2016–2010.
- _ Waṣṣāf, Tajzīyat al-amṣār va tazjīyat al-a’sār (Geschichte Wassaf’s): Persisch herausgegeben und Deutsch übersetzt (Vol. 1), ed. & trans. J. von Hammer-Purgstall, Vienna, 1856.

